گزارش

آوردگاه داستان

نگاهی به جایگاه و ظرفیت‌های مشهد در برگزاری جوایز و جشنواره‌های داستان‌نویسی

رادمنش| شاید اگر عمر تمام جایزه‌های ادبی‌ای را که با محوریت داستان‌نویسی -که موضوع این گزارش است- در ایران برگزار شده‌اند روی هم بگذاریم، به اندازه عمر جایزه ادبی گنکور فرانسه نشود (گنکور ۱۱۶ سال است لاینقطع دارد برگزار می‌شود). جایزه ادبی‌ای که جوان‌مرگ شود به شهرت و افتخاری نمی‌رسد که بتواند محل توجه و ارجاع عموم مخاطبان ادبیات قرار گیرد و به همان سرعت هم فراموش می‌شود و اعتبار برندگان آن هم به همان نسبت فروکش می‌کند. مشهد نیز که از قطب‌های ادبی کشور می‌شناسندش چنین وضع و حالی دارد. طولانی‌ترین و شاید مهم‌ترین جایزه داستان‌نویسی که در این شهر برپا شده، جایزه داستان ایرانی بوده که مرحله ملی آن فقط ۲ سال برگزار شد، هرچند در همین ۲ سال این جایزه نویسندگانی را معرفی کرد که امروز از داستان‌نویسان مطرح کشور هستند، کسانی مانند محمد طلوعی و آرش صادق‌بیگی. در گزارش پیش رو با مریم حسینیان، نویسنده و از مسئولان برگزاری این جشنواره، و همچنین حسین عباس‌زاده، نویسنده و از اعضای شورای سیاست‌گذاری ادبیات داستانی اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی استان، درباره مسائل مربوط به برگزاری جشنواره‌های داستان در مشهد و مزیت‌ها و اهمیت برگزاری چنین رویدادی در این شهر گفت‌وگو کرده‌ایم.

جشنواره باید به معاشرت نویسنده‌ها بینجامد

مریم حسینیان که تجربه داوری و حضور در جشنواره‌های مختلف ادبی کشور را دارد ابتدا به نقطه قوت جشنواره‌های داستان مشهد اشاره می‌کند و می‌گوید: سال گذشته داور جایزه جمال‌زاده اصفهان بودم. واقعیت این است که اگر بخواهم مقایسه کنم، به لحاظ کیفیت اجرا و برنامه و ساختار برگزاری، مشهد شاید یکی دو قدم هم از آن جلوتر باشد. الان که با نویسنده‌های مطرحی از شهرهای مختلف صحبت می‌کنم، هنوز هم از جشنواره داستان‌های ایرانی که سال‌ها پیش در مشهد برگزار شد به عنوان یکی از بهترین و باکیفیت‌ترین جشنواره‌هایی یاد می‌کنند که تا به حال در کشور برپا شده است.

او با این حال خاطرنشان می‌کند: بحث بحث محتواست، بحث اینکه امروز باید مقداری اتاق فکرهای این جشنواره‌ها در مشهد تقویت شود. باید از صداهای تازه‌تری استفاده شود. اینکه چهارپنج نفر در مشهد هستند و کل برنامه‌ها با همان‌ها شکل بگیرد، قطعا کیفیت محتوا را به تکرار می‌رساند. هر جشنواره‌ای نیاز دارد به نشست تخصصی، داستان‌خوانی، شنیدن حرف‌های تازه داستانی، طرح مسائل روز و آسیب‌شناسی. انتخاب داوران هم خیلی مهم است و به نظرم روی این بخش باید کار قوی‌تری انجام شود.

نویسنده رمان «بهار برایم کاموا بیاور» می‌گوید: جشنواره باید کشف استعداد کند و این اتفاق زمانی می‌افتد که امکان بروز و ظهور استعداد را به طرف مقابل بدهد و برایش چهارچوب و حتی خط قرمز هم تعریف نکند. ماهیت جشنواره‌هایی که می‌توانند صدای تازه‌ای را جذب کنند آزاد بودنشان است. اما چیزی که بیش از همه اهمیت دارد این است که جشنواره چه حرف تازه‌ای دارد و قرار است چه کار کند. اتاق فکر یک جایزه ادبی که می‌تواند جمع و جور هم باشد، باید دست‌کم به ۳ دوره برگزاری آن فکر کند و برگزارکنندگان بتوانند تیم داوری خوبی بچینند و جلسات تخصصی خوبی برگزار کنند. برای اینکه جشنواره بتواند تکرار شود، کسی که دبیر آن می‌شود قدرت برگزاری و انگیزه‌اش خیلی مهم است و برای برگزاری یک جایزه ماندگار باید از نویسندگان و منتقدان حرفه‌ای کشور استفاده کند.

حسینیان اضافه می‌کند: جایزه ادبی یک بهانه است برای دور هم بودن آدم‌ها، کسانی که می‌خواهند دیده شوند و حرفی برای گفتن دارند. جایزه ادبی باید مقداری امکانات هم داشته باشد. این جشنواره‌هایی که جایزه را پست می‌کنند به نظرم اتفاقی را رقم نمی‌زنند، چون در آن‌ها معاشرتی اتفاق نمی‌افتد. برای کسی که تک‌داستانی نوشته، معاشرت دوسه‌روزه با کسانی مشابه خودش و نشستن پای صحبت آدم‌هایی که کتاب‌های موفق منتشر کرده‌اند می‌تواند جریان فکری ایجاد کند.

هرقدر هم که جریان فکری آزاداندیشانه‌تر باشد، هرچه محدودیتش کمتر باشد و جناح‌بندی در آن کمتر باشد -مسئله‌ای که متأسفانه در مشهد وجود دارد- بهتر است.

در مشهد جزیره‌ای کار می‌کنیم

حسین عباس‌زاده، از اعضای شورای سیاست‌گذاری داستان در اداره‌کل ارشاد استان که امسال جزو برگزارکنندگان ۲ جشنواره داستان‌نویسی «دریچه» و «روایت» است و پیش از این هم در داوری یا برگزاری جشنواره‌های ادبی مشارکت داشته است، اظهار می‌کند: از یک نگاه، ما ۲ نوع جشنواره داریم: مستقل یا وابسته. جشنواره‌های مستقل مشکلاتی دارد که بزرگ‌ترین آن، فراهم‌آوردن بودجه است و معمولا هزینه‌های این جشنواره‌ها را نیکوکاران تأمین می‌کنند. این رویدادها معمولا نگاه ایدئولوژیکی به ادبیات ندارند. اما جشنواره‌های وابسته با نگاه و ایدئولوژی نهاد یا سازمانی برگزار می‌شوند که زیر نظر آن‌اند و به‌نوعی ادبیات را تبدیل می‌کنند به کالایی برای تبلیغ آن نهاد یا سازمان. با این جشنواره‌ها ادبیات پیشرفتی نخواهد کرد. در کل، چه جشنواره‌ها مستقل باشند چه حمایتی، همه‌شان با بی‌پولی دست و پنجه نرم می‌کنند. روی هم رفته، جشنواره‌ها چراغ‌های کوچکی هستند که روشن‌اند و باید در هر صورت حمایتشان کنیم.

نویسنده مجموعه داستان «خوش به حال هیچ‌کس» درباره وضعیت مشهد در برگزاری جشنواره‌های داستان هم یادآور می‌شود: مشکلی که در مشهد داریم این است که جوایز داستان آن تبدیل به برند نشده‌اند و این‌گونه نیست که این شهر را با فلان جایزه ادبی‌اش بشناسند. اما برای نمونه در گچساران و اصفهان یا شیروان چنین جشنواره‌هایی داریم. این برای خراسان و مشهد که قطب ادبیات است و تأثیرگذار بوده و هست، به‌هیچ‌وجه خوب نیست. علت این وضعیت هم به نظرم جزیره‌ای کار کردن بیشتر دستگاه‌های فرهنگی‌هنری شهر است. فلان نهاد بهمان جشنواره را راه می‌اندازد که یک سال هست، یک سال نیست. نهاد دیگر همین‌طور، و از آنجا که مشارکت بسزایی رخ نمی‌دهد، متأسفانه هیچ اتفاقی نمی‌افتد و برندسازی‌ای صورت نمی‌گیرد.

عباس‌زاده با اشاره به مسئله ورود انجمن‌های خصوصی به این حوزه خاطرنشان می‌کند: مشکل بزرگی که در بخش خصوصی داریم مربوط به مجوز است. یعنی اجازه فعالیت نمی‌دهند. فضا به گونه‌ای است که جای کار کردن نیست. مثلا شما اگر بخواهید یک مؤسسه ثبت کنید، در ارشاد این‌قدر جلو پایت سنگ‌اندازی می‌کنند که نمی‌توانید کار کنید. ما قرار بود یک برنامه رونمایی کتاب برگزار کنیم اما این‌قدر این‌طرف و آن‌طرف دویدیم که خسته شدیم و کار را رها کردیم. اگر در شهرهای دیگر هم جشنواره‌ای برگزار می‌شود که چند سالی دوام دارد به این خاطر است که یا شهرداری پای کار است یا ارشاد یا نهادهای دیگر، درحالی‌که در مشهد نگاه‌ها به‌شدت ایدئولوژی‌زده و سیاست‌زده است و به این خاطر زیاد ضربه خورده‌ایم.

او بایسته‌های یک جشنواره داستانی در مشهد را نیز این‌گونه تشریح می‌کند: اول اینکه زیاد نباید نگاه ارگانی و دولتی روی جشنواره باشد و اجازه بدهند که فضای بازتری در آن تجربه شود. دوم اینکه این رویدادها باید واگذار شود به کسانی که در این زمینه تخصص دارند. نگاه اداری در آن باید کمتر باشد و نگاه کارشناسی لحاظ شود. دیگر اینکه متأسفانه هر نهادی که برنامه‌ای این‌چنینی برگزار می‌کند می‌خواهد در سرفصل‌های برگزاری جشنواره اعمال نظر کند. این نگاه‌ها همیشه کار را خراب کرده است. نهادها بیایند پای کار اما از ضرورت حضور تیمی تخصصی از بچه‌های ادبیات غفلت نشود. در غیر این صورت، بعد از یکی دو دوره، جشنواره تعطیل می‌شود. ما باید سازوکاری داشته باشیم که جشنواره استمرار داشته باشد. فلان مدیر دغدغه‌ای دارد و کاری انجام می‌دهد ولی دوره بعد که او دیگر نیست، اصلا الزامی هم به ادامه کار نیست و مدیر بعدی کلا تعطیلش می‌کند. وقتی جشنواره نظامی داشته باشد و گردانندگان آن آدم‌های مستقل ادبیاتی باشند این اتفاق نمی‌افتد.

هوای تازه

شعر دنیا شعر آزاد است

گفت‌وگو با مهدی رجبی، شاعر مشهدی

خادم| مهدی رجبی مثل بسیاری از دیگر شاعران ایرانی سرودن را با غزل آغاز کرده و به شعر آزاد رسیده است. او طی کردن این مسیر را حاصل ۲ چیز می‌داند: یکی اینکه در دوره‌ای که او کارش را شروع کرده، معمولا علاقه‌مندان به شاعر شدن با غزل وارد این حیطه می‌شده‌اند و جذابیت‌های این قالب شعری هر تازه‌واردی را به سوی خود می‌کشیده است، و دیگر اینکه شعر آزاد امکان بیشتری برای بیان و ارائه محتوا دارد و همچنین بیشتر ترجمه‌پذیر است. او تاکنون یک مجموعه غزل منتشر کرده است و مجموعه شعر آزادی را هم آماده انتشار دارد. با این شاعر گفت‌وگویی کوتاهی کرده‌ایم.

با غزل شروع کردم؛ به شعر آزاد رسیدم

مهدی رجبی متولد سال ۱۳۵۷ است و به گفته خودش شاعری را به طور جدی از بیست‌ویک‌سالگی باغزل شروع کرده است: تا ۱۰-۱۲ سال بعدش هم غزل گفتم. مجموعه غزلی دارم به اسم «عاشقی روی پله هفتم» که سال ۹۰ منتشر شد. من از سال ۹۱ با کمک دوستم، علیرضا جهانشاهی، وارد دنیای شعر آزاد شدم و بعد از آن دیگر خیلی کم کار کلاسیک انجام دادم. اکنون یک مجموعه شعر آزاد آماده چاپ دارم که باید به ناشر بسپارم. او درباره چرایی آغاز کارش با غزل می‌گوید: فکر می‌کنم در آن زمان تمام بچه‌هایی که می‌خواستند وارد دنیای شعر شوند با غزل شروع می‌کردند. این قالب کشش و جاذبه دارد. من هم طبق روالی که آن زمان بود غزل می‌نوشتم و برخی سروده‌هایم هم گل می‌کرد. این شاعر مشهدی ادامه می‌دهد: وقتی دیدم شعر دنیا شعر آزاد است و غزل چندان قابلیت ترجمه ندارد، به کارهای آزاد رو آوردم. غزل و دیگر قالب‌های شعر کلاسیک با مهره‌درشت‌هایی مثل حافظ و سعدی پیش از این به دنیا معرفی شده است. شاعران ایرانی امروز باید دست‌کم این نگاه را داشته باشند که شعرشان ترجمه شود. آن‌ها باید بدانند برای چه‌کسی شعر می‌گویند. آیا فقط می‌خواهند کارشان مصرف داخلی داشته باشد؟ می‌خواهند فقط در شهر خودشان مصرف داشته باشد یا می‌خواهند ترجمه شعرشان در دنیا خوانده شود؟ او اضافه می‌کند: بچه‌هایی که کار کلاسیک انجام می‌دهند آن فرم و قالب غزل و وزن و قافیه را از مزیت‌های آن می‌دانند که جاذبه‌اش هم هست، اما در نگاهی کلی، این‌ها محدودیت هم به وجود می‌آورد. شعر آزاد سعی می‌کند لباس را از تن شعر در بیاورد و اصل و جوهر و محتوا را نشان بدهد. حالا بماند که شعر آزاد یا سپید هم فرم خودش را دارد.

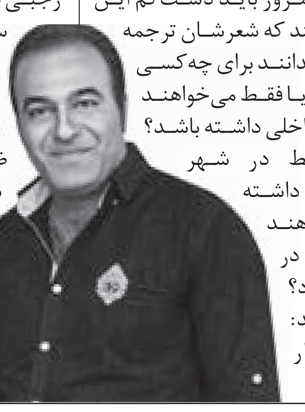

شهرت یک چیز است، شاعر بودن چیزی دیگر

رجبی شعر امروز مشهد و خراسان را یک سر و گردن از شعر پایتخت بالاتر می‌داند اما خاطرنشان می‌کند: از زمانی که شبکه‌های اجتماعی حاکم شده است، مقداری شعرهای ضعیف و غیرشعر هم وارد فضاهای شعری شده است و متأسفانه خیلی از جوان‌ها که الان دارند وارد این عرصه می‌شوند، چیز دیگری از شعر آزاد می‌بینند. مطرح بودن یک مسئله است و اینکه شعر در چه جایگاهی باشد مسئله دیگری است. او همچنین با اذعان به جمع شدن شاعران مطرح در تهران و دشواری جولان شاعران شهرستانی، یادآور می‌شود که اندک افرادی از همین مشهد توانسته‌اند ظرفیت‌های شعرشان را نمایان سازند، شاعرانی مانند مرحوم رضا بروسان یا علیرضا جهانشاهی. با این همه، این شاعر توانمند خراسانی ابراز تأسف می‌کند از اینکه امروز معروف‌تر بودن شاعر بیش از توانایی‌هایش به چشم می‌آید. او می‌گوید: نظر من این است که معروف بودن یک مسئله است و شاعر بودن مسئله‌ای دیگر.

سروده‌ای از مهدی رجبی

بر گشته بودم به همان سال‌ها
با بازوهای کلفتم
با رگ‌های گردنم برگشته بودم
از کوه‌های نودره تا هزارمسجد
می‌توانستم اسب نری را گُرده‌کَن کنم
جهان گردوی نارسی بود در مشتم
مثل سیاه‌مستی بود
می‌توانستم «علی ملار» باشم
شرط ببندم
آجرهای گری را با مشت بشکنم
یا آن‌قدر سرِ موتورم را بلند کنم که دیگر
زمین نگذارم
دست آخر اسمم را در کوچه باقی بگذارم
تا از برادرم مراقبت کند

SHAHRARANEWS.IR

فوتو شهر
www.photoshahr.ir

آگهی مناقصه
موضوع: مناقصه احداث بازار میوه و تره بار شهرما (جانباز)
سازمان ساماندهی مشاغل و فرآورده های کشاورزی شهرداری مشهد مقدس در نظر دارد اجرای عملیات احداث بازار میوه و تره بار شهرما (جانباز) را از طریق مناقصه عمومی برابر اسناد مناقصه به واجدین شرایط واگذار نماید. لذا از کلیه اشخاص حقوقی دارای رتبه ۵ ابنیه و ساختمان دعوت می گردد جهت دریافت اسناد مناقصه به سامانه ارجاع کار شهرداری مشهد مراجعه نمایند.
مبلغ برآورد مناقصه : معادل ۷.۹۲۶.۲۵۷.۶۹۷ ریال
مبلغ سپرده شرکت در مناقصه: معادل ۳۹۷.۰۰۰.۰۰۰ ریال
آخرین مهلت تحویل پیشنهادات: ساعت ۱۴:۱۵ یک شنبه مورخه ۱۳۹۸/۱۱/۱۳
جهت کسب اطلاعات بیشتر با شماره تلفن ۰۵۱۳۱۲۹۸۰۶۵ و ۰۵۱۳۱۲۹۸۰۴۱ تماس حاصل نمایید.
(سازمان در رد یا قبول یک یا کلیه پیشنهادات مختار می باشد)
(هزینه درج آگهی بر عهده برنده مناقصه می باشد)
جهت کسب اطلاعات بیشتر به آدرس سایت www.samesh.mashhad.ir مراجعه نمایید
روابط عمومی سازمان ساماندهی مشاغل شهری و فرآورده های کشاورزی شهرداری مشهد

نگارستان

وارونه در «فردوسی»

نمایشگاه گروهی عکس با عنوان «وارونه» در نگارخانه فردوسی برپا شده‌است. علاقه‌مندان برای بازدید از این نمایشگاه می‌توانند تا چهارشنبه دوم بهمن صبح از ساعت ۱۰ تا ۱۲ و عصر از ساعت ۱۷ تا ۲۰ به محل این نگارخانه در سه‌راه ادبیات، مجتمع دکتر شریعتی سازمان جهاد دانشگاهی مراجعه کنند.

عکس: فرنوش فرشچی/ شهرآرا

صاحب خبر

نت سیاه سکوت

گرامیداشت جان‌باختگان پرواز ۷۵۲ در جشنواره موسیقی فجر برگزار می‌شود

گروه هنر| پنجمین جلسه شورای ارزیابی سی‌وپنجمین جشنواره موسیقی فجر با صورت‌جلسه گرامیداشت یاد جان‌باختگان هواپیمای اوکراینی ازجمله روجا آزادیان، از هنرمندان موسیقی که در این پرواز بود، برگزار شد.

به پیشنهاد شورای ارزیابی، در این جلسه مصوب شد در سی‌وپنجمین جشنواره موسیقی فجر، رویدادهای ویژه‌ای با یاد و خاطره درگذشتگان پرواز شماره ۷۵۲ هواپیمایی اوکراین برگزار شود. همچنین روز گذشته ستاد برگزاری این جشنواره به‌منظور همدردی با هنرمندان و مردم آسیب‌دیده سیل اخیر سیستان‌وبلوچستان، اعلام کرد بودجه برگزاری این جشنواره را در استان سیستان‌وبلوچستان صرف خواهد کرد. سی‌وپنجمین جشنواره موسیقی فجر از ۲۴ تا ۳۰بهمن ۱۳۹۸ به دبیری شاهین فرهت برگزار خواهد شد.

کامکارها در راه مشهد

اجرای پژوهشی «همنوازان برگ‌ریز» در مشهد برگزار می‌شود

حسین علی‌شاپور، خواننده سبک موسیقی ایرانی، در صفحه اینستاگرامش از اجرای «همنوازان برگ‌ریز» در مشهد خبر داده است.

در گروه موسیقی «همنوازان برگ‌ریز»، ارژنگ کامکار (نوازنده تنبک)، اردشیر کامکار (نوازنده کمانچه) و فرزاد محمدنژاد (نوازنده تار و سه‌تار) به‌همراه حسین علی‌شاپور حضور دارند. این گروه قرار است جمعه چهارم بهمن در پردیس هنر اردیبهشت واقع در خیابان باهنر، باهنر ۵ به روی صحنه بروند. لازم به ذکر است این اجرای پژوهشی را آموزشگاه موسیقی اردیبهشت با همکاری انجمن موسیقی خراسان رضوی برگزار می‌کند. همچنین کلاس گروهی و خصوصی آواز حسین علی‌شاپور، پنجشنبه سوم بهمن در آموزشگاه موسیقی اردیبهشت مشهد برگزار خواهد شد. علاقه‌مندان برای تهیه بلیت می‌توانند به سایت www.ordibeheshtmusic.com مراجعه کنند.

«گامی نو» در هنرهای تجسمی

نمایشگاه گروهی هنرهای تجسمی در کتابخانه مرکزی مشهد برپا شده است

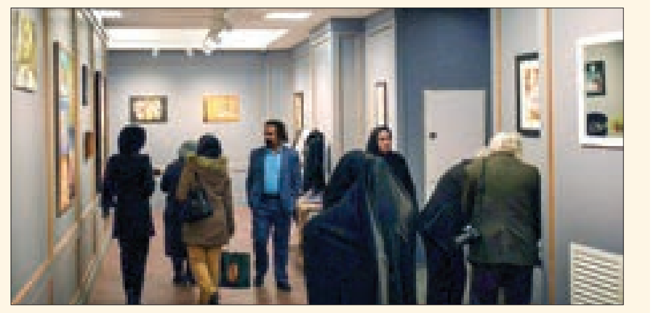

نمایشگاه گروهی هنرهای تجسمی «گامی نو» این روزها در کتابخانه مرکزی امام‌خمینی(ره) دایر شده است. در این نمایشگاه بیش از ۶۰ اثر در زمینه‌های رنگ روغن، آبرنگ، طراحی، نقاشی‌خط، نقاشی روی لباس، تذهیب، نقاشی روی شیشه(ویترای) و نقاشی ایرانی از ۱۴هنرمند زن به نمایش گذاشته شده است. به گفته مهدی خوشبخت، مسئول برگزاری نمایشگاه‌های هنری پاتوق هنر کارا، نمایشگاه «گامی نو» با هدف معرفی هنرمندان جوان برپا شده است. درکنار این نمایشگاه نیز دوره‌های آموزشی هنرهای تجسمی، عکاسی، فیلم‌برداری و گویندگی با همکاری نهاد کتابخانه‌های عمومی خراسان رضوی، آموزشگاه نمابه‌نما و پاتوق هنرکارا برگزار خواهد شد. نمایشگاه گامی نو تا ۲بهمن برپا خواهد بود و بازدیدکنندگان می‌توانند از ساعت ۱۶ تا ۲۰ به کتابخانه مرکزی امام‌خمینی(قدس‌سره) واقع در بلوار هفت‌تیر، میدان هشتم شهریور مراجعه کنند.

آغاز اکران ۲فیلم کودک و نوجوان در کشور

«کاتی و ستاره» و «قطار آن شب» از چهارشنبه به روی پرده می‌روند

در آستانه برگزاری سی‌وهشتمین جشنواره فیلم فجر، دو فیلم سینمایی کودک و نوجوان از دوم بهمن در سینماهای کشور روی پرده خواهند رفت. به‌گفته غلامرضا فرجی، سخن‌گوی شورای صنفی نمایش، اکران فیلم سینمایی «کاتی و ستاره» و «قطار آن شب» از چهارشنبه، دوم بهمن، آغاز می‌شود.

فیلم سینمایی «کاتی و ستاره» در حوزه کودک، به‌کارگردانی رضا مجلسی و تهیه‌کنندگی بیتا منصوری است که فضایی فانتزی دارد و درباره موجوداتی است که از سیاره دیگری به زمین آمده‌اند. «قطار آن شب» نیز یک فیلم کودک به نویسندگی و کارگردانی حمیدرضا قطبی و اقتباسی از رمانی با همین نام، نوشته احمد اکبرپور است. افشین هاشمی، سیامک صفری و مریم بوبانی جزو بازیگران این فیلم هستند.

گزارش

مزار زار حاج‌قربان

روایتی از حال و روز مزار حاج‌قربان سلیمانی که بعد از ۱۳ سال همچنان بدون تغییر مانده است

غلامرضا زوزنی| ۱۳سال است که حاج‌قربان سلیمانی در زمین باغی که ده‌ها سال از آن مراقبت می‌کرد، آرام گرفته است؛ زمینی که در روستای علی‌آباد(محل زندگی حاج‌قربان)، از توابع قوچان قرار دارد و حاج‌قربان آن را برای خاک‌سپاری هنرمندان وقف کرده است.

این استاد نامور موسیقی مقامی که خود از بخشی‌های شمال خراسان به‌شمار می‌آمد، در دوران حیاتش افتخارهای فراوانی آفریده است، اما بعد از مماتش، قبری گم‌وگور در گوشه‌ای از زادگاهش دارد. از وعده‌هایی هم که مسئولان داده‌اند، چیز قابل عرضی وجود ندارد جز یک سنگ قبر و چند متر آجرچینی. راست می‌گفت پیرمرد کشاورز که: «هرسال کلنگ می‌زنند و هیچ خبری نمی‌شود.» در یکی از سالمرگ‌های حاج‌قربان که بر سر مزارش بودیم و مسئولان کلنگ افتتاح مقبره می‌زدند، بومیان محل هاج‌وواج و سردرگم، نظاره‌گر مراسم تشریفاتی بودند که امروز ۱۳ساله می‌شود!

صدای دوتار شمال خراسان، نوای لالایی حاج‌قربان بوده است. او نوازندگی را از پدرش که یکی از بخشی‌های موسیقی مقامی به‌حساب می‌آید، آموخت و در طول ۸۶سالی که از خدا عمر گرفت، آموزه‌هایش را به پسرش منتقل کرد.

خوانندگی درکنار نوازندگی از هنرهای ماندگار او بود. حاج‌قربان به سه زبان ترکی، کردی و فارسی آواز می‌خواند که این ویژگی او را در میان خنیاگران متمایز می‌کرد.

اجراها و مقام‌ها و جایزه‌های ملی و بین‌المللی که او برای موسیقی مقامی به ارمغان آورد، هنوز تکرارنشدنی است. دریافت نشان فرهنگ‌وهنر و همکاری با بزرگان موسیقی ایرانی، تنها گوشه‌ای از جایگاه این هنرمند فقید را برای ما عیان می‌کند.

مقبره حاج‌قربان در این ۱۳سال می‌توانست محلی برای رجوع علاقه‌مندان به فرهنگ و هنر باشد اما چنین نشد و تنها از آن، حسرتی بر دل دوستداران موسیقی مقامی مانده است.

خودمان باید به فکر باشیم

یک قطعه زمین باغی در روستای علی‌آباد در نزدیک «باغ بهشت»(قبرستان روستا) است. آن قطعه زمین که حالا مدفن این استاد نامی موسیقی مقامی است، تا یکی‌دو سال پیش زمینی بیابانی و متروکه بود. یکی‌دو سال است که سنگ مزار حاج‌قربان را گذاشته‌اند و سازه‌ای مقبره‌مانند هم بر فراز قبر ساخته‌اند و همین اقدامات از شدت غربت آن کاسته است. با این وضعیت بهبودیافته، هرچند که مقبره حاج‌قربان محل رجوع آشنایان او و هنرمندان است، هنوز برای رسیدن به شأن و جایگاه مرحوم سلیمانی راه زیادی در پیش دارد. درختکاری و فضاسازی محیط اطراف مقبره هم هنوز جای کار دارد.

رضا غلامی، رئیس انجمن موسیقی قوچان، می‌گوید مشکل اصلی برای سروسامان دادن به آرامگاه ابدی استاد حاج‌قربان سلیمانی، بودجه است. نبود دغدغه هم درکنار بی‌پولی، مزید بر علت شده است تا یاد حاج‌قربان روزبه‌روز در ذهن‌ها کمرنگ‌تر شود. همان‌طور که غلامی می‌گوید، اگر هنرمندان به فکر نباشند، کسی به یاد استادان ازدست‌رفته نمی‌افتد: «امروز هم که با وجود برف و سرما تلاش کردیم بر سر مزار حاج‌قربان حاضر شویم، به همت دوستداران او بوده است. همین اتفاقات محدود هم بعد از ۱۰سال انجام شده است. خانواده حاج‌قربان حتی حاضرند یک قطعه زمین دیگر را که میان «باغ بهشت» تا مدفن حاج‌قربان قرار گرفته است، وقف آرامستان کنند.» او می‌گوید: می‌خواستند منزل استاد در علی‌آباد را به «مکتب‌خانه حاج‌قربان» تبدیل کنند اما مشکلاتی به‌وجود آمد که خانواده حاج‌قربان به این موضوع رضایت ندادند: «منزل استاد در قوچان بسیار ساده بود. این منزل تنها دو اتاق داشت که یکی از آن دو متعلق به حاج‌قربان بود. همان اتاق را تا اندازه‌ای بازسازی کردیم اما خانواده حاج‌قربان دیگر رضایت ندادند که فعالیت‌های هنری در آنجا برقرار باشد.»

به گفته غلامی، سوءاستفاده از نام‌ونشان حاج‌قربان درمیان نوازندگان و خوانندگان قوچانی، زیاد شده است و این مشکل، موسیقی مقامی این ناحیه را تهدید می‌کند: «حاج‌قربان یک بخشی بود و باور داشت که تنها موسیقی باید نسل‌به‌نسل منتقل شود، از همین‌رو او هیچ شاگردی به‌غیر از پسرش، علیرضا، نداشته است اما این روزها شاهد هستیم که بسیاری از فعالان موسیقی مقامی در قوچان، خود را به مکتب حاج‌قربان منتسب می‌کنند، درصورتی‌که حتی یک ساعت هم تحت تعلیم و آموزش او نبوده‌اند. بسیاری از مردم به دیدار او می‌رفتند و قلبا به وی علاقه داشتند اما او به هیچ فردی جز پسرش، نوازندگی و خوانندگی را نیاموخته است.»

باغ را خشکاندند

علیرضا، پسر حاج‌قربان و تنها شاگردش، می‌گوید زمان تدفین پدرش، زمین سرسبز بوده است. بعد از خاک‌سپاری حاج‌قربان، مسئولان شهری آنجا را برای ساخت قطعه هنرمندان هموار کرده‌اند و درختان آنجا را از جا درآورده‌اند: «آن زمین الان شبیه به یک زمین بیابانی و بی‌روح شده و هیچ مسئولی به آن رسیدگی نکرده است. همان سنگ قبر و دیوار آجری که دور قبر ساخته‌اند، تنها اقدامی است که صورت گرفته است.»

امروز پیگیری می‌کنیم

سنگ مزار و آن سازه چندمتری بالای قبر هم تفاهمی بوده است میان اداره‌کل ارشاد استان و شورای شهر و فرمانداری قوچان که انجام شده است. محمدرضا محمدی، معاون امور هنری‌سینمایی اداره‌کل فرهنگ و ارشاد استان، در گفت‌وگو با شهرآرا گفت که این بخش، از تعهدات اداره ارشاد بوده که انجام شده است. امروز هم محمدی برای جلسه‌ای به قوچان رفته است و می‌خواهد در آن مجلس، موضوع ساماندهی مقبره حاج‌قربان را از مسئولان شهری و فرمانداری قوچان پیگیری کند: «در این جلسه، مسائل مربوط به ساماندهی مقبره مرحوم استادسلیمانی را بررسی و نتیجه را اعلام خواهیم کرد.»

کمبود بودجه، همان مانع همیشگی است که این‌بار هم محمدی برای انجام نشدن اقدامات مقتضی مقبره حاج‌قربان از آن سخن به میان می‌آورد: «تخصیص اعتبار باید از طریق مسئولان شهری قوچان صورت بگیرد. اداره ارشاد بودجه‌ای ندارد و فقط توانسته است اعتباری برای مقبره درنظر بگیرد.»

در آرزوی شهرهای موزه‌مانند

از رسانه همین یک کار برمی‌آید که اتفاقا کار بی‌تاثیری هم نیست؛ اینکه موضوعی را آن‌قدر مطالبه کند تا به نتیجه برسد. ماندگاری فرهنگ و هنرِ مبتنی بر هویت بومی هم از همانْ دغدغه‌هایی است که رسانه‌ها باید آن را تا به ثمر رسیدن پیگیری کنند. یاد و نام بزرگان موسیقی مقامی خراسان بزرگ همچون مرحوم حاج‌قربان سلیمانی هم از آن دسته کارهایی است که باید مدام تذکر داده شود. رسانه‌های دغدغه‌مند که هویت برایشان مسئله است، باید پای کار بیایند و آن‌قدر بگویند و بگویند تا آنچه شایسته است، رخ دهد. چه می‌شود اگر هر کوچه و خیابان در جای‌جای این خطه، نماد و نمایی از مفاخر خود داشته باشد؟ شهرهایی همچون شهرهای استان خراسان که هنرمندپرور است و مفاخر در آن آوازه جهانی دارند، و در هر کوچه و خیابانش زیست یک افتخارآفرین بعید نیست. توجه به زنده نگه‌داشتن یاد و نام بزرگان یک شهر قطعا باعث تقویت هویت و ایجاد حس تعلق به سرزمینمان می‌شود.

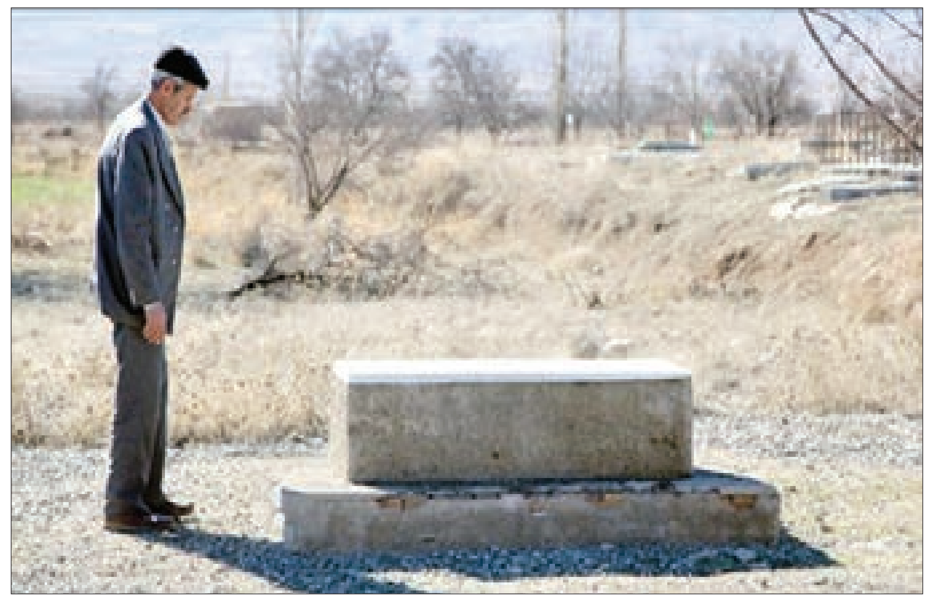

عکس: فرنوش فرشچی/ شهرآرا

رویداد

ای بسا شاعر که بعد از مرگ زاد*

اکران فیلم «چی‌چکا» با حضور کارگردان این اثر در پردیس سینما هویزه مشهد

شکیبا افخمی‌راد| ابراهیم منصفی، آهنگ‌ساز، شاعر و خنیاگر جنوبی، جزو هنرمندانی است که در زمان حیاتش آن‌طور که باید، شناخته نشد. نخستین آلبوم ترانه‌های او ۱۰سال بعد از مرگش در سال ۱۳۸۶ منتشر شد؛ آلبومی که با وجود کیفیت نامناسب ضبط‌ها، در فضای مجازی غیررسمی ردوبدل شد و به‌تدریج هواداران فراوانی پیدا کرد. بعد از انتشار ترانه‌های منصفی، بسیاری از آهنگ‌سازان مطرح کشور ازجمله گروه داماهی، سهیل نفیسی، ماکان اشگواری و ناصر عبداللهی ترانه‌های او را بازخوانی کردند. همین اتفاق نیز بیش از پیش باعث محبوبیت ترانه‌های این موسیقی‌دان جنوبی شد. این روزها کمتر کسی در جنوب کشور است که منصفی را نشناسد. او در زمان حیاتش گیتار را به هرمزگان آورد و موسیقی محلی را با ریتم موسیقی جهانی حتی پیش از رواج این نوع موسیقی در پایتخت، تلفیق کرد اما همچنان در نقاط دیگر کشور شاید عده بسیاری باشند که با شخصیت منصفی و زندگی پرچالش او آشنا نباشند. چندی است مستندی با نام «چی‌چکا» به معنای «قصه شب» در گروه هنروتجربه بر روی پرده سینماهای کشور رفته است که سعی می‌کند زندگی پرچالش ابراهیم منصفی را روایت کند. این فیلم روز شنبه با حضور کارگردانش، رها فریدی، در پردیس سینمایی هویزه به نمایش درآمد و این کارگردان درباره مراحل ساخت «چی‌چکا» با حاضران در سالن به گپ‌وگفت پرداخت. فیلم رها فریدی یک مستند پرتره درباره ابراهیم منصفی است که سعی کرده است در دل خود، فرهنگ و جغرافیای هرمزگان را نیز معرفی کند. پخش موسیقی‌های منصفی بر روی تصاویری از بندرعباس، درکنار صحبت‌های دوستان و همراهان این خواننده درباره زندگی او باعث شده است این مستند نوددقیقه‌ای به فیلمی موزیکال و درعین‌حال تراژدیک تبدیل شود. فضای فیلم «چی‌چکا» از چنان صمیمیتی برخوردار است که شاید بتوان آن را ناشی از فیلم‌برداری و صدابرداری تک‌نفره رها فریدی دانست. به‌گفته فریدی، او به‌دلیل کمبود بودجه تنها با یک دوربین «هندی‌کم» به بندرعباس رفته است تا روایت‌های مربوط به زندگی منصفی را ثبت کند. نبود تجهیزات اضافه و گروه فیلم‌برداری همراه او نیز باعث شده است افرادی که مقابل دوربین قرار گرفته‌اند، صمیمانه و ساده داستانشان را تعریف کنند. فریدی برای ساخت این مستند نتوانسته بود همسر و سه دختر منصفی را برای آمدن جلوی دوربین راضی کند، با این حال سعی کرد این خلأ را با عکس‌ها و تعاریف دیگران پر کند. کارگردان مستند «چی‌چکا» همان‌طور که خودش می‌خواسته، توانسته است آداب و رسوم هرمزگان و همچنین زندگی ابراهیم منصفی را ثبت کند. فریدی که فیلمش را به‌صورت مستقل و با کمک‌های مردمی ساخته است، درنهایت از منصفی به‌عنوان هنرمندی مستقل که در زنده نگاه داشتن موسیقی بومی موثر بوده است، یاد می‌کند؛ هنرمندی که سرگذشتی تلخ داشت اما همچنان موسیقی‌اش در جنوب جریان دارد و جوانان جنوبی همچنان موسیقی را با الفبای موسیقی او فرامی‌گیرند و ترانه‌های این خواننده را اجرا می‌کنند. نمایش مستند «چی‌چکا» در پردیس سینمایی هویزه همچنان ادامه دارد. این فیلم امروز ۳۰دی، ساعت ۱۷ در پردیس ویلاژتوریست به نمایش گذاشته خواهد شد.

* مطلع شعری از اقبال لاهوری

همراه با فجر ۹۸

تاریخ برگزاری جشنواره هنرهای تجسمی فجر تغییر کرد

شورای سیاست‌گذاری دوازدهمین جشنواره هنرهای تجسمی فجر، در جلسه‌ای فوق‌العاده مصوب کرد برگزاری جشنواره به بعد از مراسم چهلمین روز شهادت سردار قاسم سلیمانی و هموطنان درگذشته در مراسم تشییع سردار سلیمانی در کرمان و نیز جان‌باختگان حادثه غم‌انگیز هواپیمای مسافربری اوکراین موکول شود. براین اساس و به گزارش واحد ارتباطات و رسانه، دوازدهمین جشنواره هنرهای تجسمی فجر که با استقبال بیش از ۳هزار نفر از هنرمندان کشور و با حدود ۶هزار اثر، روبه‌رو شده است، در تاریخ ۲۹بهمن ۱۳۹۸ افتتاح می‌شود. همچنین شورای سیاست‌گذاری جشنواره اعلام کرده است بودجه بخش‌هایی از جشنواره مانند تشریفات افتتاحیه، برای حمایت از هموطنان سیل‌زده سیستان‌وبلوچستان هزینه خواهد شد.